

۱۰۰ ره تمام گشت و صد ره خمیده باز

دهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم‌های
۱۰۰ ثانیه‌ای، با معرفی برگزیدگان
به کار خود پایان داد

هنگامه قاضیانی:

جشنواره ۱۰۰
از معتبرترین جشنواره‌های
ایران زمین است

محمد حمزه‌زاده:

جشنواره ۱۰۰
نخبگانی است



در کارگاه نحوه ارائه طرح برای دستیابی به بازار بین‌الملل مطرح شد:

داشتن جهان‌بینی، لازمه موفقیت در فیلم کوتاه است



داستانی، خنده‌دار است یا دراماتیک و مخاطب آن چه کسی است؟ باید بدانید دیگران چه تجربه‌ای با دیدن این فیلم پیدا می‌کنند و فیلم‌های مشابهی که با موضوع فیلم شما مشترک هستند را می‌توانید مثال بزنید.

مدیر آموزش سازمان سمعی، بصری فرانسه بیان کرد: در اروپا بنیادها و سازمان‌های مختلف برای هر مرحله از ساخت فیلم اعم از نوشتن، تدوین و تولید، کمک‌های مختلفی در نظر می‌گیرند. همیشه باید با تهیه‌کننده‌ای در کشورهای دیگر ارتباط داشته باشید که بتوانید به کمک آن طرح خود را مستقیم و بی‌واسطه ارائه دهید. وی درباره مراحل بعد از ارائه طرح نیز اظهار کرد: سوال مهم دیگر درباره چگونگی ارائه بهینه طرح است. آیا نیازمند یک فیلمبردار مشهور برای کارتان هستید یا اینکه به بالگرد برای فیلمبرداری هوایی احتیاج دارید. بنابراین چگونگی ساخت فیلم نیز اهمیت دارد و تمام جزئیات را باید در این طرح بگویید. در اروپا برای ارائه طرح ابتدا توضیح می‌دهید که این فیلم چه رابطه‌ای با ضمیرناخودآگاه یا زندگی ما دارد. موسیقی و نوع روایت فیلم اعم از اول شخص یا سوم شخص نیز در زمره سوال‌های چگونگی ساخت فیلم جای می‌گیرد.

زیس‌رمن با اشاره به دیگر سوالاتی که در فرآیند ارائه طرح به ذهن می‌آید، گفت: سوال بعدی این است که به چه دلیل و چرا می‌خواهیم این فیلم را بسازیم. آیا می‌خواهیم یک رزومه یا بیوگرافی از خودمان باقی بگذاریم یا نه؟ سوال بعدی درباره زمان شروع کار فیلمبرداری است. باید بدانیم چه زمانی می‌خواهیم فیلمبرداری را شروع کرده و چه زمانی آن را به پایان رسانیم و همچنین زمان توزیع فیلم نیز در این رابطه اهمیت می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین سوال‌هایی که از شما پرسیده می‌شود این است که آیا سوژه یا طرح را به این دلیل شما ارائه می‌دهید که جهان‌بینی مناسب و تسلط خوبی روی آن دارید؟

در دهمین جشنواره فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای، کارگاه نحوه ارائه طرح برای دستیابی به بازار بین‌الملل با تدریس دیدیر زیس‌رمن مدیر آموزش سازمان سمعی، بصری فرانسه در سالن شهر فرنگ پردیس سینمایی آزادی برگزار شد.

زیس‌رمن در ابتدای این بحث گفت: هدف امروز کارگاه این است که روشی برای ارائه طرح و مشارکت سرمایه‌گذاران پیدا کنیم. ایده این است که در مدتی کوتاه بتوانیم مسئولان سازمان‌های سرمایه‌گذار را قانع کنیم که چرا طرح ما نسبت به دیگر طرح‌ها بهترند. زیس‌رمن خاطرنشان کرد: مهمترین مسأله این است که چه موضوعی را بیان می‌کنید و این جزئیات طرح است که می‌تواند کار شما را متفاوت کند. هر کلمه را باید بشمارید و جای کلمه را بشناسید و بدانید پشت هر ایده‌ای چه کلمه‌ای بگذارد. باید نظر طرف مقابل را با یک جمله جلب کنید.

وی با اشاره به سوال‌های مهمی که در فرآیند ارائه بهینه طرح باید مطرح شود، گفت: اولین سوال این است که به عنوان فیلمساز چه نقشی دارید و آیا کارگردان یا تهیه‌کننده فیلم هستید یا نه؟ چون هر کسی از عوامل فیلم می‌تواند طرح را ارائه دهد. در کشورهای مختلف معمولاً فیلمساز طرح هنری را ارائه می‌کند و تهیه‌کننده ارائه دهنده بخش مالی است.

زیس‌رمن ادامه داد: پس از آن سوال این است که چرا شما برای ارائه طرح فیلم انتخاب شدید؟ آیا سوژه یا طرح را به این دلیل شما ارائه می‌دهید که جهان‌بینی مناسب و تسلط خوبی روی آن دارید؟ مسأله دیگر این است که طرح شما چیست و آیا در قالب مستند جای می‌گیرد یا

محمد حمزه زاده
مدیر سازمان توسعه سینمایی سوریه:
جشنواره ۱۰۰، نخبگانی و دور از حاشیه است



فضای دهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ خوب و کیفیت آثار این دوره مطلوب و قابل قبول بوده؛ تا جایی که حتی برخی از آثار این دوره موجب شگفتی داوران جشنواره شده است. آثاری که از جشنواره امسال دیدم عمدتاً کارهای خوبی بودند و به طور کلی می‌توان گفت رونق جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای سال به سال بیشتر می‌شود و این پیشرفت را می‌شود از روند این جشنواره تا امروز به راحتی تشخیص داد.

جشنواره ۱۰۰ به دور از فضاهای حاشیه‌ای و احساسی به دنبال محتوای مطلوب در هنر سینماست. این جشنواره یک جشنواره نخبگانی است و می‌توان آن را مشابه جشنواره‌های مانند جشنواره علمی خوارزمی دانست که البته در فضای علمی و پژوهشی رقم می‌خورد و این جشنواره در حوزه سینما. در جشنواره خوارزمی هم نخبه‌های علمی ما شرکت می‌کنند و داشته‌هایشان را ارائه می‌کنند. آنجا هم تاکید روی سلبیتهای و فضاهای حاشیه‌ای و جذب عموم مردم به هر قیمتی اتفاق نمی‌افتد.

در جشنواره فیلم ۱۰۰ با این که پذیرای عموم مردم و مخاطبان هستیم و می‌بینیم که عموم از آثار این جشنواره دیدن می‌کنند، اما هدف ما در این جشنواره ایجاد فضای تعامل و همکاری میان فعالان و حرفه‌ای‌های فیلم کوتاه و مینی‌مال است که بتوانند با هم کار کنند و با فضای گفتگو و تعامل به رشد و تعالی این عرصه هنری نایل شوند. این هدف به طور طبیعی فضای را ایجاد می‌کند که زرق و برق جشنواره‌های دیگر را نداشته باشد.

شاید یکی دیگر از دلایل دور بودن این جشنواره از زرق و برق‌های جشنواره‌های دیگر، جنس فیلم‌هایی است که در این جشنواره تولید می‌شود. آثار این جشنواره زمان کوتاهی دارد، اما با همه اینها الحمدلله می‌بینیم که مردم عادی هم که کار اصلی‌شان سینما نیست، در سال‌های اخیر از این جشنواره استقبال کرده و می‌کنند.

معتقدم این فضای فرهنگی و نخبگانی و بی‌حاشیه در جشنواره ۱۰۰ موضوعیت دارد و می‌تواند زمینه‌ای جدی برای رشد سینمای کشور رقم بزند. از این رو، امسال در شورای سیاست‌گذاری جشنواره‌های حوزه هنری تصویب شد به شرطی که بتوانیم منابع لازم برای برگزاری این جشنواره سینمایی را در هر سال تامین کنیم، جشنواره فیلم ۱۰۰ از این به بعد به صورت سالانه برگزار شود و از دوسالانه به جشنواره‌ای سالانه تغییر کند.

در کارگاه بین‌المللی سینمای کوتاه دانمارک مطرح شد:

ارتگا: تهران فضای مناسبی برای نمایش آثار مینی مال است



کارگاه بین‌المللی فیلم کوتاه کوتاه دانمارک، عصر دومین روز برگزاری جشنواره فیلم ۱۰۰، با حضور بهنام بهادری مسوول کمیته بین‌المللی جشنواره فیلم ۱۰۰ و آنا ارتگا دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم ۶۰ ثانیه ای دانمارک در سالن شهر فرنگ پردیس سینمایی آزادی برگزار شد.

بهنام بهادری در این کارگاه با بیان این که یکی از سیاست‌های جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ این بوده که فضای تعامل را بین این جشنواره با دیگر جشنواره‌های مشابه خارجی برقرار کند، اظهار کرد: در راستای این سیاست وقتی جشنواره‌های ثانیه‌ای را رصد کردیم، دیدیم که ۳ جشنواره ثانیه‌ای در دنیا برگزار می‌شود؛ جشنواره‌های بوستون و پاکستان و جشنواره ۶۰ ثانیه‌ای دانمارک که دبیری آن بر عهده خانم ارتگا است. اگر چه قدمت جشنواره بین‌المللی ۱۰۰ در ایران بیش از هر سه این جشنواره‌هاست اما خوب است که در تعامل با این جشنواره‌های خارجی از تجربیات آنها استفاده کنیم. مسوول کمیته بین‌المللی دهمین جشنواره ۱۰۰ ثانیه‌ای حوزه هنری در پایان سخنانش گفت: شاید این جلسه را باید با عنوان نشست انتقال تجربیات خواند، زیرا به دلیل محدودیت زمانی کمتر می‌تواند شکل کارگاهی داشته باشد؛ از این نظر ما قرار است در این جلسه بیشتر از تجربیات و ایده‌ها و تکنیک‌های فیلمسازان دانمارکی در ساخت یک اثر کوتاه کوتاه استفاده کنیم.

در ادامه این نشست، آنا ارتگا دبیر جشنواره فیلم‌های ۶۰ ثانیه‌ای دانمارک اظهار کرد: طرح این جشنواره برای اولین بار به ذهن تعدادی از فیلمسازان و صاحب نظران سینمای کوتاه دانمارک رسید که خودشان جزو عوامل این جشنواره و داوران آن شدند. جشنواره فیلم ۶۰ ثانیه‌ای دانمارک به صورت خصوصی توسط گروهی از افراد آزاد برگزار می‌شود و از این رو با محدودیت‌های مالی مواجه است.

دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ۶۰ ثانیه‌ای دانمارک ادامه داد: یکی از مشکلات این جشنواره و ساخت این فیلم‌ها، بسترهای ارائه آثار و اکران فیلم‌هاست، ما این مشکل را با ساخت آثار صامتی که بتوانند در محیط‌های شهری و عمومی اکران شوند تا حدی حل کردیم. فیلم‌های این جشنواره به صورت بی‌کلام

وقتی فیلم کوتاه
در یک فضای

عمومی مانند
مترو یا سطح

شهر نمایش داده
می‌شود، باید

به گونه‌ای باشد
که مخاطبان را

که همان عابران
هستند جذب کند

و پای اثر نگه دارد

جشنواره ۶۰ ثانیه ای دانمارک فرستاده شد و اتفاقاً جزو برگزیدگان این جشنواره هم شد. هنرمندان از همه جای دنیا می‌توانند آثارشان را به جشنواره دانمارک ارسال کنند و در رقابت با دیگر آثار قرار بگیرند.

ارتگا با بیان این که هدف ما این است که شهروندانمان حتی در حال انجام کارهایشان در سطح شهر فرصت دیدن یک اثر هنری را در ۶۰ ثانیه داشته باشند، اظهار کرد: به دلیل این که آدم‌های متفاوتی در سطح شهرها و خیابان‌های دانمارک در رفت و آمد هستند ما در اکران این آثار با محدودیت‌ها و سانسورهایی مواجه هستیم که باید به آنها مقید باشیم.

دبیر جشنواره ۶۰ ثانیه‌ای دانمارک در پایان با بیان این که تهران شهر بزرگ، زیبا و پر رفت و آمدی است، گفت: توصیه می‌کنم شما هم جشنواره‌ای با اهداف مشابه با جشنواره دانمارک راه‌اندازی کنید و آثار آن را در سطح تهران بویژه در متروی تهران به نمایش بگذارید؛ این اتفاق در تهران می‌تواند با موفقیت همراه باشد.

ساخته می‌شوند و آثار برگزیده آن در فضاهای عمومی مانند مترو، کافه‌ها، کتابخانه‌های عمومی، خیابان‌ها، روی دیوار ساختمان‌ها و رستوران‌ها و روی زمین در سطح شهرها نمایش داده می‌شود.

وی با بیان این که جشنواره فیلم‌های ۶۰ ثانیه‌ای دانمارک هر ساله موضوعی جداگانه را در فراخوان اعلام می‌کند، افزود: هر سال هیات داوران این جشنواره تغییر می‌کنند و ملاک‌های متفاوتی برای داوری لحاظ می‌شود.

به گفته ارتگا انتقال پیام و مفهوم در ۶۰ ثانیه، آن هم در فیلمی بدون کلام، اگر چه در ظاهر ساده به نظر می‌رسد ولی بسیار دشوار است، فیلمساز باید بتواند ایده‌ای را انتخاب کند که بدون کلام کاملاً قابل درک باشد و مخاطب را با خود درگیر کند. وقتی چنین فیلمی در یک فضای عمومی که همه در رفت و آمد هستند مانند مترو یا سطح شهر نمایش داده می‌شود باید به گونه‌ای باشد که مخاطبان را که همان عابران هستند جذب کند و پای اثر نگه دارد.

این سینماگر توضیح داد: سال گذشته یک فیلم ایرانی به

ابراهیم اصغری، تهیه‌کننده سینما:

۱۰۰ ثانیه زمان، محدودیت نیست، امتیاز است



برخی ممکن است زمان کوتاه را محدودیتی برای فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای قلمداد کنند؛ در حالی که همه امتیاز یک فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای در همان کوتاه بودن زمانش است.

موضوع اخلاق برای فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای کاملاً موجه است. بر مبنای نظر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، مخاطبان روزگار ما بسیار کم‌حوصله شده‌اند و دوست دارند پیام‌ها در کوتاه‌ترین زمان و بدون شاخ و برگ‌های اضافی منتقل شوند. به دلیل گسترش فضای مجازی و رسانه‌های جهانی، توضیح واضح‌تر و تکرار مکررات حوصله مخاطب امروز سینما را سر می‌برد و او را اذیت می‌کند و سینمای ایران باید این موضوع را مورد توجه قرار دهد.

اثر سینمایی با اثر تلویزیونی که شاخ و برگ‌هایی دارد بسیار متفاوت است؛ مخاطب تلویزیون کسی است که در خانه نشسته و ممکن است در حین تماشای یک اثر تلویزیونی به کارهای شخصی‌اش هم رسیدگی کند، ولی در سینما تماشاگر در یک فضای تاریک نشسته و فقط بر فیلم تمرکز دارد؛ از این نظر حشو و زوائد اثر سینمایی به‌شدت به چشم می‌آید و مخاطب را آزار می‌دهد. در یک اثر سینمایی باید تمام تلاش‌ها صورت گیرد تا زوائد کار کاسته شود؛ از این نظر ورود به عرصه سینمای مینی مال یا کوتاه کوتاه می‌تواند بستر این امر را فراهم سازد.

به نظر من فیلم‌هایی که در زمان کوتاهی مثلاً ۱۰۰ ثانیه ساخته می‌شوند، جدای از اینکه بهتر است با تکنیک‌های نوین سینمایی روز ساخته شوند، باید از جنبه نوع نگاه به مضامین هم خلاقانه باشند. به عبارت دیگر، جدای از فرم و ساختار خوب سینمایی باید در انتخاب مضامین و نوع نگاه و پرداخت به آن‌ها شیوه‌ای هنرمندانه را در پیش بگیرند. این عنصر نوع نگرش به سوژه یا مضمون اگر خوب و خلاقانه انتخاب شود می‌تواند در همان زمان کوتاه هم تماشاگر را تحت تأثیر قرار داد.

این مسئله، به‌خصوص اگر قصد ما ساختن آثاری با مضامین اخلاقی است، بسیار اهمیت پیدا می‌کند. طرح مضامین اخلاقی با نگرش‌های نو و خلاقانه در قالب سینما بسیار می‌تواند مطلوب و موردپسند جامعه ایرانی باشد. به‌ویژه با توجه به سابقه درخشان ادبی ما که همواره ضرب‌المثل‌های کوتاه ولی تأثیرگذار در ادبیات ما وجود داشته و در یادها مانده و سینه به سینه توسط مردم به نسل‌های بعدی منتقل شده است، می‌توان در عرصه تصویر و سینما هم آثاری کوتاه و هنرمندانه خلق کرد که در یادها بماند. محور ضرب‌المثل‌های ما عموماً اخلاق است و از این نظر انتخاب



بچه و مرد / برای برداشتن هر زباله باید کمری خم شود

مرد جوان و بی‌توجهی روی نیمکت پارک نشسته و با اشتیاق به گزارش مسابقه فوتبال از رادیو گوش می‌کند و با هیجان تخمه می‌شکند و روی زمین می‌ریزد. روبروی مرد، پسر بچه‌ای با ناراحتی او را نگاه می‌کند و در نهایت دلش طاقت نمی‌آورد و به سمت مرد رفته، ابتدا به او نگاهی از سر ملامت می‌اندازد و وقتی متوجه می‌شود مرد نسبت به دنیای اطرافش کاملاً بی‌اهمیت است، خودش مشغول پاک کردن زمین می‌شود و... آنچه فیلم «بچه و مرد» را به اثری متفاوت و خوب تبدیل می‌کند نه پایان غافلگیرکننده آن است و نه حتی مضمون آن که حفظ پاکیزگی شهر است، بلکه نگاه پرمعنای پسر بچه به مرد وقتی در پایان فیلم جایی که از مرد دور شده به او می‌اندازد نقطه عطف این فیلم و دلیل دوست داشتن آن است.



انتخابت بیشتر از آنچه فکر می‌کنی اثر دارد / اثر پروانه‌ای

مرد جوانی در موقع سفارش غذا یک نوشابه خارجی را به نوشابه‌ای وطنی ترجیح می‌دهد و با انتخاب آن نوشابه باعث سلسله اتفاقاتی می‌شود که به اثر پروانه‌ای می‌ماند. کارگردان ایده خلاقانه‌اش را فکر شده و جذاب و سرگرم‌کننده بسط می‌دهد و از دل موقعیتی کمیک، پیامی بسیار جدی و حتی شاید هشداردهنده به مخاطب گوشزد می‌کند؛ این که انتخاب‌های کوچک ما شاید در ظاهر بسیار بی‌اهمیت و پیش پا افتاده بنظر برسند اما می‌توانند در نهایت سرنوشت‌ساز باشند. انتخاب یک نوشابه خارجی که قیمت پایینی دارد نمی‌تواند یک کارخانه بزرگ نوشابه‌سازی وطنی را ورشکسته کند اما اگر این انتخاب به یک اپیدمی جمعی تبدیل شود تولید ملی نیز به قهقرا خواهد رفت. فیلم همچنین ساختار و جلوه‌های ویژه خوبی دارد.



باز باران آب داد / هر قطره بارش است

فیلم خوب و اثرگذار «باز باران آب داد» یکی دیگر از آثاری است که کارگردانان جوان جشنواره فیلم ۱۰۰ درباره دغدغه‌شان در زمینه کمبود آب و استفاده بهینه از مصرف این نعمت پر قدر الهی ساخته‌اند. فیلم روایتی موجز و شیرین دارد و با بیانی شاعرانه به مخاطب گوشزد می‌کند که هر قطره آب بارش است و باید از آن به بهترین شکل ممکن استفاده کرد. در شرایطی که بحران کمبود آب در کشور جدی شده است هر چقدر از این نوع فیلم‌های مینی‌مال در زمینه مصرف درست منابع طبیعی ساخته شود باز هم کم است.



زُل / حریم شخصی

حتماً برای شما هم پیش آمده است که در مکانی عمومی مانند اتوبوس یا مترو وقتی در حال چک کردن تلفن همراه خود هستید متوجه می‌شوید کسی کنجکاوانه در حال بررسی صفحه گوشی شماست و به حدی راحت بنظر می‌رسد که گویی به تلویزیون شهری خیره شده! در این باره حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز لطیفه‌هایی ساخته و پخش شده است. فیلم «زُل» دقیقاً به همین مساله یعنی عدم رعایت حریم خصوصی افراد می‌پردازد و با لحنی کمیک آن را مورد نقد قرار می‌دهد. پایان فیلم و جایی که زن فضول خود را در مواجهه با موقعیتی می‌بیند که دیگران را پیشتر در آن قرار داده و احساس معذب بودن می‌کند جذاب‌ترین صحنه فیلم را رقم می‌زند.

نگاهی به فیلم‌هایی از دهمین

منتقد: الناز دیمان

گمشده / من گم شده‌ام

ایده فیلم «گمشده» بر غافلگیری نهایی بنا شده اما این شوک پایانی از همان ابتدا به راحتی قابل حدس است و حالا که مشقت فیلم لااقل برای تماشاگر فیلم‌بین باز شده، دیگر اشتیاقی برای دنبال کردنش باقی نمی‌ماند. اما آنچه مورد انتقاد است نه داستان قابل حدس، بلکه مفهوم شعارزده فیلم است. کارگردان اشارات صریحی به گمشده بودن انسان در عصر ارتباطات دارد و این اشارات و پیام‌ها را به شکلی شعاری و شتابزده بیان می‌کند. همین شعارزدگی نیز مانع از آن می‌شود که مخاطب با فیلم ارتباط برقرار کرده و حتی به برخی از ظرایف فنی فیلم مانند فیلمبرداری خوب، تدوین مناسب و انتخاب بادقت لوکیشن‌ها توجه کند.

سلفی ایرانی / چو ایران نباشد تن من میاد

شاید در نگاه اول فیلم به یک فوتوکلیپ شبیه باشد اما وقتی پسر مونوپد به دست با همان تصویر آشنا و همان لباس همه جای ایران را می‌گردد و در پس زمینه فیلم آهنگ حماسی و زیبای «ای ایران‌ای سرای امید» پخش می‌شود این اثر از قالب یک فوتوکلیپ فراتر رفته و به فیلمی دلنشین و غرورآفرین تبدیل می‌شود. در «سلفی ایرانی» مخاطب همراه با پسری جوان گرد ایران عزیز سفر می‌کند و لذت می‌برد از تماشای این همه تمدن و تاریخ و زیبایی. «سلفی ایرانی» حتی می‌تواند فیلم کوتاه تبلیغاتی بسیار موفق و موثری برای جذب گردشگران خارجی باشد. هوشمندی کارگردان وقتی بیشتر مشخص می‌شود که در فصل پایانی فیلم وقتی پسر جوان به میدان آزادی می‌رسد آفتاب رو به غروب رفته و اینطور به نظر می‌رسد که با پایان روز سفر ایرانگردی مسافر پر شور نیز به انتها می‌رسد.

زمزمه محبت / کودک و مادر بزرگ

آنچه فیلم کوتاه «زمزمه محبت» را برای مخاطب دوست‌داشتنی می‌کند کیمیای محبتی است که شاید مدت‌هاست در نسل جوان بخصوص نسبت به افراد مسن فامیل کمرنگ شده است. جوانان و کودکان این روزها ترجیح می‌دهند به جای سر زدن به مادر بزرگ و پدر بزرگ اوقاتشان را پشت مانیتورها یا با دوستانشان بگذرانند و ظاهراً دوره جمع شدن در خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ و بودن در کنار آنها گذشته است. در فیلم «زمزمه محبت» دختر کوچکی به مادر بزرگش که دچار فراموشی است با حوصله کمک می‌کند نماز بخواند. اینکه دختر کوچک شبیه معلمی دلسوز برای مادر بزرگ خود آیه‌های قرآن را زمزمه کند به این جهت جذاب است که احتمالاً روزی مادر بزرگ همین زمزمه‌ها را در گوش مادر کودک داشته تا او برای اولین بار نمازش را بخواند و حالا ثمره محبت به فرزند اینگونه به مادر بزرگ بازمی‌گردد.

زباله / هشدار

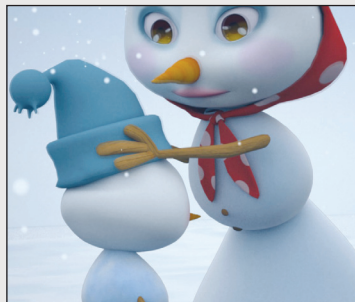
فیلم کوتاه «زباله» بیشتر از آن که یک فیلم کوتاه باشد تیزری تبلیغاتی در جهت لزوم پاک نگه داشتن محیط زیست است اما این موضوع از تاثیرگذاری و خوش ساخت بودن فیلم کم نمی‌کند. نگاه کارگردان خلاقانه است و وقتی دوربین از خانواده‌ای که برای گذران اوقات خوش به پارک رفته‌اند دور می‌شود و کم‌کم عواقب ناراحت‌کننده کارهای غیرمسئولانه‌شان را در اطرافشان ترسیم می‌کند همانند شوکی به مخاطب عمل کرده و وی را به فکر وادار می‌کند. همچنین فیلم «زباله» از نظر فنی و تکنیکی در حد و اندازه‌ای مقبول ظاهر می‌شود و جلوه‌های بصری آن که به شیوه‌ای استاندارد طراحی و ساخته شده به غافلگیری و اثرگذاری انتهایی فیلم کمک می‌کند.





دریا آبی نیست / مادرانگی

فیلم «دریا آبی نیست» ساختاری ساده ولی در عین حال تعلیق‌آمیز دارد و از این جهت برای کارگردان جوانش موفقیت محسوب می‌شود. زن جوانی در کنار دریا با کودک خردسالش بازی می‌کند اما ناگهان تلفن زنگ می‌زند و زن به سمت ماشین می‌رود و در کمال خونسردی، کودک خردسال و طبعاً آسیب‌پذیرش را کنار دریا رها می‌کند. تعلیق داستان فیلم از همین جا تا صحنه پایانی ادامه پیدا می‌کند و موسیقی آرام و حتی شاد فیلم کنتراست جالبی را با فضای پر استرس اثر ایجاد کرده و مخاطب را متعجب‌تر می‌کند. همه چیز در فیلم «دریا آبی نیست» خوب پیش می‌رود و غافلگیری پایان فیلم نیز اثرگذار است اما کاش کارگردان در صحنه پایانی حضور مادر و در کنار دریا اصراری بر لزوم شیرفهم کردن مخاطب نداشت و آن تصویر مبهم و سایه‌وار کودک را در کنار مادر نشان نمی‌داد.



دالکه / مهر مادری

فیلم‌هایی با محوریت مهر مادری در جشنواره امسال نمود چشمگیر دارند. «دالکه» (مادر به گویش لری) نیز یکی دیگر از همین دسته آثار است که در قالب انیمیشن تولید شده است. روایت آب شدن آدم برقی‌ها همواره در ادبیات ایران و جهان چه در شعر و چه در نثر فرایندی غم‌انگیز توصیف شده و روایتی آشناست. کارگردان فیلم «دالکه» نیز با قصه‌ای تازه و البته مادرانه این روایت را تکرار می‌کند. تماشای فیلم خوش ساخت «دالکه» که با تصویرگری حرفه‌ای و افکت‌های صوتی استاندارد همراه است می‌تواند هم برای کودکان و هم بزرگسالان تجربه‌ای دلنشین باشد.



به همین سادگی / با کمی محبت

«به همین سادگی» حکایت محبت‌های کوچکی است که شاید چندان به چشم نیایند یا حتی متوجه آنها نباشیم اما حکم قطره‌هایی کوچک را دارند که با جمع شدنشان روانه‌ای از مهربانی در دل‌ها جاری می‌شود. زن و شوهری جوان بر سر سفره افطار می‌نشینند و شوهر متوجه می‌شود همسرش به خاطر روزه‌دار بودن فراموش کرده در غذا نمک بریزد. معمولاً در چنین وقت‌هایی شوهران به همسرشان یادآوری می‌کنند که نمک را فراموش کرده یا خود از جا برمی‌خیزند و نمک را به سر سفره می‌آورند یا حتی با ناراحتی از همسرشان می‌خواهند که نمک بیاورد. اما کاراکتر اصلی فیلم «به همین سادگی» تصمیمی متفاوت و محبت‌آمیز می‌گیرد، تصمیم کوچکی که شاید همسرش حتی متوجه نشود اما حکم همان قطره را دارد که روزی جوی محبت خواهد شد.



بن بست / نافرمانی

«بن بست» به لحاظ تکنیک، اثری متمایز یا شاخص محسوب نمی‌شود و کامپیوتری بودن تصاویرش کمی توی ذوق بیننده می‌زند اما داستان فیلم با وجود تکراری بودن، جذاب است. ترمز یک سرباز از دستور که قاعدتا برای او حکم وظیفه را دارد به جهت اینکه حکم را مغایر با انسانیت می‌داند همواره سوژه‌ای پرکشش برای داستان‌های فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها بوده است. در فیلم «بن بست» هم با همین سوژه روبرو هستیم. فیلم اگر با ساختاری بهتر تولید می‌شد می‌توانست یکی از بهترین انیمیشن‌های این دوره از جشنواره باشد اما در حال حاضر اثری متوسط است.

۱۰۰ جشنواره فیلم

هاجر / قضاوت

فیلم کوتاه اعظم جعفری یکی از بهترین آثار این دوره از جشنواره فیلم در بخش رقابتی است. فیلم روایتی غیرخطی و پرکشش دارد. افرادی از طبقه‌های مختلف اجتماعی و با سن و سال و جنسیت‌های متفاوت جلوی دوربین ایستاده و درباره موقعیتی صحبت می‌کنند که تا پایان فیلم برای مخاطب مشخص نیست. هرکدام از این افراد راهکاری ارائه می‌کنند و درباره موقعیت نامعلوم و فردی که در آن موقعیت قرار داشته قضاوت‌های متفاوتی دارند. فصل انتهایی و وقتی گرهِ داستانی غیر قابل حدس آن برای مخاطب گشوده می‌شود، عمیقاً تأثیرگذار و رعب‌آور است؛ اثرگذار به این جهت که تا وقتی در موقعیتی قرار نداشته باشیم نمی‌توانیم قضاوت درستی درباره اشخاصی که در آن موقعیت بوده‌اند داشته باشیم و رعب‌آور از این حیث که ناهنجاری اجتماعی دردناکی را به مخاطب یادآوری می‌کند.



مسیر زندگی را انتخاب کنید / اول فیلم خوب بعد پیام‌رسانی

«مسیر زندگی را انتخاب کنید» به کارگردانی معصومه خوش‌لهجه انیمیشنی خوش‌ساخت با طراحی و ایده انیماتوری بسیار بامزه است. سه کاراکتر بانمک که اتفاقاً برعکس آنچه مد نظر کارگردان بوده در نگاه اول بسیار دوست‌داشتنی‌تر از نگاه شعارزده دوم هستند، طراحی ساده و در عین حال زیبایی دارند. انیمیشن «مسیر زندگی را انتخاب کنید» از همان نام فیلم سردادن شعار را آغاز می‌کند و تا انتها نیز این نگاه شعارزده بر فیلم سایه می‌اندازد. کاراکترهای انیمیشن خوش‌ساخت این کارگردان جوان خیلی بامزه‌تر از آن هستند که قربانی نگاه ساده و ابتدایی جاری در فیلم شوند و شعار کتابخوانی در مقابل تفریح ماشین‌سواری را بدهند. کاش خوش‌لهجه فیلم دیگری با این سه کاراکتر دوست‌داشتنی بسازد و در آن به دور از هرگونه شعار و دغدغه پیام‌رسانی تنها به ساخت فیلمی خوب فکر کند.



مزاحم / آنتن موجود نیست

«مزاحم» یکی دیگر از فیلم‌های این دوره از جشنواره فیلم ۱۰۰ است که درباره نفوذ یا شاید بهتر است بگوییم هجوم فن‌آوری گوشی‌های هوشمند به زندگی‌مان ساخته شده است؛ گوشی‌ها و شبکه‌های مجازی که حتی باعث سرد شدن جمع‌های خانوادگی نیز می‌شوند. فیلم روایتی پرکشش و طنزآمیز دارد و مخاطب را با خود همراه می‌کند. بازی‌های فیلم بخصوص نقش‌آفرینی پیرمرد و نوه شیرین زبانش بسیار خوب و تماشایی‌اند. ساختار فیلم به لحاظ تکنیکی و فیلمبرداری در حد آثار خوب و استاندارد سینمایی است. تمهید هوشمندانه کارگردان در انتخاب لوکیشن فیلم که خانه‌ای بسیار زیبا و سنتی در شهر یزد است، نشان از دقت و وسواس وی برای بسط ایده فیلم یعنی تقابل سنت و مدرنیته و تأثیر بر مخاطب دارد.



لباس ایرانی / تسخیر بازار لباس توسط چینی‌ها

سال‌هاست کودکان ما از لباس‌ها، لوازم‌التحریر و اسباب بازی و حتی کتاب‌هایی استفاده می‌کنند که تولید کشور چین است و روی آنها نقش و نگارهایی با المان‌های غربی وجود دارد و در غیاب قهرمان وطنی و اسطوره‌های ایرانی کودکان ما با اسپایدرمن و بت‌من و ... محاصره شده‌اند و ظاهراً به فکر هیچ تولیدکننده ایرانی نمی‌رسد که می‌توان از هزاران هزار گزینه داخلی برای ترویج فرهنگ ایرانی / اسلامی استفاده کرد و دست کم بخشی از بازار را به دست گرفت. فیلم لباس ایرانی به این جو و این نوع نگاه بی‌تفاوت انتقاد کرده و اعلام می‌کند کودک ایرانی در کنار همه شخصیت‌های کارتون جهانی باید با اسطوره‌های وطنی و قهرمانان ایرانی نیز آشنا شود و این وظیفه هنرمندان و تولیدکنندگان است؛ وظیفه‌ای که آنقدر مورد غفلت قرار گرفته که مادر محمدحسین شخصاً درمورد فرزندش بر دوش می‌گیرد.



ساخت فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای اخلاقی چگونه ممکن است؟



علیرضا جباری دارستانی - بحث از رابطه هنر و اخلاق و تأثیر و تأثر متقابل این دو بر یکدیگر از مباحث قابل توجهی است که می‌تواند به گشودن افق‌هایی تازه در مسیر تحلیل فلسفی و باروری بیشتر مباحث نظری در هر دو حوزه اخلاق و هنر منجر شود. پایه‌ای‌ترین گزاره اخلاق نزد عالمان آن، مبتنی بر «درنگ‌گیری» موقعیت و نسبت خود با «دیگری» و سنجش «آنچه باید کرد» در این نسبت است. «مانوئل کانت»، فیلسوف آلمانی که صاحب یکی از مهم‌ترین آثار مکتوب در خصوص فلسفه اخلاق است، امر مطلق اخلاقی‌اش را این‌گونه تقریر کرده است: «چنان عمل کن که بخواهی عملت قانون جهانی اخلاق شود». این قاعده دقیقاً مبتنی بر همان درنگ‌گیری و سنجش موقعیت و نسبت آدمی با دیگران است. چنین اصلی - با تقریرهای مختلفی که در طول زمان داشته است - هم مورد توجه ادیان الهی بوده و هم اندیشمندان اخلاق. به عبارت دقیق‌تر، نظریه اخلاق در کلی‌ترین شکل‌اش بر مبنای قاعده‌ای ایجاب می‌شود که هم ادیان الهی بر آن صحنه می‌گذارند و هم عقل عملی و عقلانیت اخلاقی آن را به عنوان محور و مبنای اخلاق تصدیق می‌کند؛ این قاعده توسط فیلسوفان اخلاق با عنوان «قاعده طلایی» نامیده شد.

شاید شناخته‌شده‌ترین تقریر قاعده طلایی برای ما مسلمانان تقریر حضرت امیرالمومنین (ع) در نامه معروفشان به امام حسن (ع) باشد که: «ای فرزند، خود را در آنچه میان تو و دیگران است ترازویی پندار؛ پس برای دیگران دوست بدار آنچه برای خود دوست می‌داری و برای دیگران مخواه آنچه برای خود نمی‌خواهی...» (نامه ۳۱ نهج‌البلاغه). قاعده طلایی اخلاق توسط «جان هیک» فیلسوف انگلیسی و متاله نامدار مسیحی، مبنایی برای اخلاق جهانی در نظر گرفته شده؛ قانونی که به گفته او در فواصل سال‌های ۸۰۰ تا ۲۰۰ پیش از میلاد ظاهر گردید یا دست‌کم شهرت یافت و در چین، فلسطین، ایران و یونان توسط چهره‌های دینی و اخلاقی مورد تأیید و تأکید قرار گرفت.

«هری کنتسler»، فیلسوف معاصر در تقریر قاعده طلایی می‌نویسد: «با دیگران فقط طوری رفتار کن که رضایت می‌دهی در همان موقعیت همان‌گونه با تو رفتار شود». بر مبنای این قاعده، اخلاق از آدمی می‌خواهد خود را در «موقعیت» دیگری قرار دهد و دیگری را هم در موقعیت خود! این جایگزینی موقعیت‌ها، امکانی را برای سنجش عمل اخلاقی فراهم می‌کند. اما راه چنین جایگزینی چطور ممکن است؟

پاسخ به این پرسش راه را برای ورود هنر به ورطه اخلاق و پیوند این دو حوزه مهم معرفتی فراهم می‌کند. زیرا قاعده اخلاقی از ما می‌خواهد «فرض» یا «تصور» کنیم ما به جای دیگری هستیم و دیگری به جای ما؛ چنین فرضی بواسطه شان «مخیل» آدمی برمی‌آید و تنها زمانی ممکن خواهد شد که «تخیل» به کمک عقل عملی بیاید. «درنگ‌گیری» موقعیت دیگری و درک نسبیتی که با دیگران داریم، زمانی ممکن خواهد بود که تخیل را در خدمت معرفت آوریم و از آن برای سنجش موقعیت کنونی و موقعیت مطلوب استفاده کنیم. چنین کارکردی در دایره وسیع خود یعنی در بستر اجتماع، دقیقاً کارکردی است که هنر از ابتدا بر دوش داشته است. بر مبنای این تحلیل، هنر اولا بستری برای ایجاد یا دست‌کم پیشنهاد تغییر در وضعیت موجود است و ثانیا از آنجا که تخیل باعث ساخت صورتی تازه (خیالی) از واقعیت است، طرحی مفروض را در برابر وضع موجود ارائه می‌کند. بدین ترتیب می‌توان گفت که هنر از دو جهت به «قاعده طلایی» و گسترش آن یاری خواهد رساند: اول «تلاش برای تقویت قوه تخیل» و دوم «جدی گرفتن امکان تغییر موقعیت‌ها». از این دو جهت می‌توان نشان داد که هنر قادر است ضمانت اجرای «قاعده طلایی» را تقویت نماید. برای روشن شدن مطلب می‌توان نمونه تحلیل یکی از فیلسوفان از کارکرد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی هنر را از نظر گذراند؛

«هربرت مارکوزه» فیلسوف و جامعه‌شناس چپ‌گرای آلمانی، وظیفه هنر را رهایی‌بخشی انسان از استبدادی نظام سرمایه‌داری و بازآفرینی جامعه‌ای نوین و آزاد از قید و بند بورژوازی می‌دانست. فارغ از رویکرد چپ‌گرایانه مارکوزه، تحلیل او از هنر برای مقصود ما راهگشاست. او اظهار می‌کند که «آزاد گذاشتن تخیل شرط پویایی تمدن و به واقع زمینه‌ای برای خلق یک جهان تازه خواهد بود». از نظر او «منطق درونی اثر هنری به پیدایش خردی دیگر و حساسیتی دیگر می‌انجامد که منطق نهفته در نهادهای مسلط در جامعه سرمایه‌داری را به مبارزه می‌طلبد». او این خصیصه منحصر به فرد هنر را «بعد یا شکل زیباشناختی» می‌نامید و معتقد بود که بعد (فرم) زیباشناختی نتیجه

هنر امکان حصول این دو تصور را از طریق قوه خیال فراهم می‌کند. یک فیلم سینمایی، خالق موقعیت (مثلاً یک موقعیت در یک فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای) یا موقعیت‌هایی (فیلم‌های بلند) است که از سویی مخاطب را از رهگذر تخیل به سطح سنجش خویش در مقام یک کنشگر اخلاقی یا اجتماعی ناقل می‌سازد و از سوی دیگر امکان درک موقعیت دیگری به عنوان ایزه کنش اخلاقی را مهیا می‌کند؛ بدین ترتیب چنین اثر سینمایی - خواه ۱۰۰ ثانیه باشد، خواه ۱۰۰ دقیقه - به خوبی قادر است شناخت اصیلی از دو موقعیت اخلاقی «کنون» و «فردا» را به مخاطبش عرضه کند؛ موقعیت‌هایی که تصور آن‌ها برای پایبندی به قاعده طلایی اخلاق ضروری هستند.

اگر قاعده طلایی از مخاطبانش می‌خواهد که خود را در موقعیت دیگری گذاشته و دیگری را هم در وضعیت فعلی خود تصور کنند، هنر بستری را برای این تغییر وضعیت فراهم می‌سازد. درواقع، سخن قاعده طلایی این است که «تغییر موقعیت را لحاظ کن» و کار هنر عینیت بخشیدن به همین ایده است. اثر هنری در چنین جایگاهی طرحی را برای تغییر موقعیت ترسیم می‌کند تا مخاطب نتیجه انتخاب خویش در پایبندی یا عدم پایبندی به قاعده اخلاق را ببیند. از این رو به نظر می‌رسد که عنصر مشترک اندیشه اخلاقی و معرفت هنری ارجاع مخاطب به قوه تخیل برای درک موقعیت خویش و دیگری است؛ قوه‌ای که باعث ساخت صورتی تازه (خیالی) از واقعیت مستقر می‌گردد و طرحی مفروض را در برابر وضع موجود پیشنهاد می‌کند؛ طرحی که قادر است آدمی را در تدارک یا دست‌کم چشم‌به‌راه فردایی ممکن و متفاوت نماید. هنر با بهره‌مندی از همان بعد زیباشناختی، می‌تواند واجد تجربه درک دیگری (طبق قاعده طلایی) باشد و از رهگذر این درک، تجربه‌ورزی اخلاقی مخاطب خود را تقویت نموده و او را واجد تعلیم اخلاقی نماید.

طرح هنرمندانه‌ی تنها یک موقعیت دوسویه «هن-دیگری» در ۱۰۰ ثانیه کاملاً امکان‌پذیر است و هر فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای می‌تواند با ضرب بالایی از عینیت هنری، بار یک ضرب‌المثل یا سخنی قصار در حوزه اخلاق را به دوش بکشد و با توجه به امکانات حوزه سینما و عینیت‌بخشی به امر مخیل، به مراتب تأثیرگذاری بیشتری نسبت به متن مکتوب یک ضرب‌المثل یا جمله قصار داشته باشد.

تغییر شکل محتوای معین واقعیتی امروزی یا تاریخی، شخصی یا اجتماعی به کلیتی خودکفاست؛ یعنی به شعری، نمایشنامه‌ای، رمانی، فیلمی و ... بدین ترتیب از منظر مارکوزه، اثر هنری ضمن به چالش کشیدن و متهم کردن «آنچه هست»، «آنچه باید باشد» را باز می‌نماید. از نظر او بعد زیباشناختی نه تنها اثر هنری را واجد خصایص اخلاقی می‌کند، بلکه این فرم زیباشناختی حتی قادر است به مثابه یک کنش سیاسی، تا سرحد ساخت یک جامعه مطلوب‌تر استمرار یابد؛ او می‌گوید: «اثر هنری به یاری تغییر شکل زیباشناختی، واقعیت اجتماعی گنگ و متحجر را شکافته و افق تغییر را بازمی‌گشاید».

از نگاه این فیلسوف آلمانی و بسیاری دیگر از اندیشمندان و فیلسوفان هنر، نوآوری هنری زمانی به نقطه مطلوب می‌رسد که به تغییر و نوآوری در واقعیت خارجی منتهی گردد؛ یک اثر هنری بدیع، پویا و رهایی‌بخش بر درک و دریافت مخاطب از جهان خارج تأثیر می‌گذارد و نگرش او به جهان را زیر و رو خواهد کرد. در این معنا هر کار هنری اصیل، ادعانه‌ای علیه واقعیت تثبیت‌شده است و تصور آزادی از قفس تاریک واقعیت را روشن می‌کند. اثر هنری به مدد همین بعد زیباشناختی قادر خواهد بود واقعیت موجود را شکافته، آدمی و جهانی تازه را پیش روی مخاطب خود ترسیم نماید، زیرا هنر با نوآوری زیباشناختی خود، زمینه‌ساز تغییر واقعیت مستقر و بازسازی و ترمیم کاستی‌های آن خواهد بود.

بنابراین هنر به عنوان ابزاری برای نفی کاستی‌های حیات اخلاقی موجود و اثبات حیات اخلاقی مطلوب، به گونه‌ای عمل می‌کند که در برابر نظم مسلط و رایج در دنیای واقعی، صورتی تازه را برای چنین امور در عالم واقع پیشنهاد می‌کند؛ بر این مبنای، هنر ابزاری است برای ایجاد دگرگونی تجربه زیسته انسان و پیشنهاددهنده الگویی تازه در حیات اخلاقی. کاملاً روشن است که در این تحلیل هنر، به قاعده طلایی اخلاق بسیار نزدیک شده است، زیرا راه را برای همان «درنگ‌گیری» مذکور در حیطه اخلاق هموار می‌سازد.

کنش اخلاقی آن‌گونه که هم در دین و هم در عقل عملی فیلسوفانه مورد تأکید قرار گرفته است، هم مستلزم تصور موقعیت کنونی کنشگر اخلاقی توسط خود کنشگر است و هم مستلزم تصور موقعیت دیگری است تا از طریق آن بتوان وضعیت مطلوب اخلاق را صورت‌بندی کرد؛

هنر به عنوان ابزاری برای نفی کاستی‌های حیات اخلاقی موجود و اثبات حیات اخلاقی مطلوب، به گونه‌ای عمل می‌کند که در برابر نظم مسلط و رایج در دنیای واقعی، صورتی تازه را برای چنین امور در عالم واقع پیشنهاد می‌کند

یادداشت عبدالحمید قدیریان، طراح صحنه و مدیر هنری سینما

لزوم توجه به جنس اخلاقی که در سینما می‌جوئیم...



با انقلاب و انفجار نور در سال ۵۷، فضایی آسمانی در کشور ما شکل گرفت و آرزوها و آرمان‌ها در ذهن‌ها نقش بست. امت پیرو آن پیر فرزانه، در صراط نورانی ایجاد شده، به دنبال آینده‌ای مبتنی بر فرهنگ نورانی اهل بیت(ع) بود. اما با گذر زمان و اجرای سیاست‌های مختلف و نبود معارف دینی هم‌سنگ با نیاز جامعه انقلابی، بسیاری آرام‌آرام از خاگرزی‌هایی که در پرتو نور امام(ره) فتح کرده بودند، عقب نشستند. در آن روزهای پرشور در بین جوانان انقلابی که در عرصه هنر کمر به یاری دین بسته بودند، تحقق هنر شیعی دور از ذهن نبود و شاید سینما به عنوان پویاترین و کاربردی‌ترین قالب هنری که توانایی نشر ایده‌ها و آرمان‌ها را داشت، از همه پرشورتر حرکت می‌کرد. اما با عقب‌نشینی مذکور، به‌مرور سینما نیز همچون جامعه دست خود را خالی دید و مجبور شد تا ایده «سینمای شیعی» را کنار بگذارد و از خاگرزی‌های فتح شده، یکی پس از دیگری عقب‌نشیند. در این عقب‌نشینی ابتدا به «سینمای اسلامی» بسنده شد، اما در مرحله بعد به «سینمای دینی» اکتفا

شد که آن هم بعد از مدتی به نقد کشیده و اصلیت این نگرش زیر سوال برده شد. اکنون با گذشت زمان و تسلط کامل معیارهای تفکر و هنر غرب، فضای هنر به صورت عام و سینما به صورت خاص درگیر رفت‌وآمد بین «سینمای اخلاقی» و «سینمای غیراخلاقی» است. مسئولان و دلسوزان تلاش دارند این آخرین خاگریز (سینمای اخلاقی) را حفظ کنند و امکانی حداقلی برای سلامت هنر ایجاد نمایند. با تشکر از مسئولان و نیت پاکشان، لازم است نکته‌ای را مد نظر داشته باشیم و آن دقت در جنس سینمای اخلاقی است که سعی در حمایت آن داریم. به یاد داشته باشیم که خداوند در قرآن کریم، عمل صالح که بخشی از آن منبعث از اخلاق حسنه است را بعد از ایمان به خدا ذکر می‌کند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ». عمل صالح بدون ایمان به خدا مورد قبول نیست. امید است که خداوند به خدمتگزاران این عرصه مدد رساند تا نگذارند این آخرین سنگر که بویی از دین دارد، از دست برود و راهی برای ایجاد بستر «اخلاقی منهای خداوند» باز شود.

یادداشتی در باب ریشه‌یابی جشنواره فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای

نگاهی به ماندگارترین گزیده‌گویی‌های ایران و جهان

می‌میرم و همچنان نظر بر چپ و راست / تا آنکه نظر در او توان کرد، کجاست؟

سخن را سر است ای خردمند و بن / میاور سخن در میان سخن

پرویز شاپور و کلمات کاریکاتور گونهای

کاریکاتور نامی است که پرویز شاپور در سال ۱۳۴۷ بر نوشته‌های خود که در مجله‌ی خوشه به سردبیری احمد شاملو چاپ می‌شد گذاشت. در زیر چند کاریکاتور از مرحوم شاپور می‌خوانید.

وقتی عکس گل محمدی در آب افتاد، ماهی‌ها صلوات فرستادند.

اگر بخواهم پرنده را محبوس کنم، قفسی به بزرگی آسمان می‌سازم.

فرهنگی که با ضرب‌المثل‌ها گره خورده است

ضرب‌المثل‌ها نیز از دیگر قالب‌های کوتاهی هستند که مردمان پارسی گو و البته مردم بسیاری دیگر از نقاط جهان، برای انتقال پیام و مفهومی عمیق، با کلمات محدود و در زمان کم استفاده می‌کرده‌اند. این ضرب‌المثل‌ها ریشه در ادبیات یا وقایع تاریخی داشته است.

والا ترین اعجازی که از ایجاز هم بهره برد

حتی قرآن کریم، معجزه الهی پیامبر اسلام نیز گاهی به ضرورت از ایجاز استفاده کرده و نمونه آن را می‌توان سوره «کوثر» دانست. این سوره ۳ آیه و ۱۰ کلمه دارد و پانزدهمین سوره است که در شهر مکه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نازل شده است. این سوره کوتاه‌ترین سوره قرآن است.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که ایجاز در هنر و ادبیات نه تنها محصول دنیای مدرن امروز است، بلکه ریشه‌ای عمیق در فرهنگ کهن پارسی دارد و از این روست که جشنواره فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای نیز توانسته است همچون تکبیت‌های زیبای سعدی و ضرب‌المثل‌های شیرین ایرانی بر دل مخاطبانانش بنشیند و ۱۰ دوره استمرار داشته باشد. ما هنوز هم پایبند کم‌گویی و گزیده‌گویی هستیم.

در هایکو یا مستقیماً به فصل اشاره می‌شود یا به نشانه فصلی. کی‌گو یا فصل‌واژه که از ارکان این گونه شعری است، شامل پنج گروه بهاری، تابستانی، پاییزی، زمستانی و روز نوی می‌شود. در زیر یک نمونه از هایکوهای ژاپنی را می‌خوانید:

بهار من تنها همین است:

تک نهال بامبو

و یک شاخه‌ی بید

(کوبایاشی ایسا)

ایجاز در ادبیات کهن ایران

رباعی (به معنی چهارتایی یا چهارگانی) یکی از قالب‌های شعر فارسی و مناسب‌ترین قالب برای ثبت لحظه‌های کوتاه شاعرانه است.

معروف‌ترین رباعی‌سرا در تاریخ ادب فارسی حکیم عمر خیام نیشابوری است. در زیر، شعری از این شاعر برجسته کشور می‌خوانید.

اسرار ازل را نه تو دانی و نه من / وین حرف معما نه تو دانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو / چون پرده برافتنه تو مانی و نه من

دویتی نیز از دیگر قالب‌های ریشه‌دار شعر پارسی است. مشهورترین شاعر دویتی‌سرا، باباطاهر است که در زیر یکی از اشعار وی را می‌خوانید.

دلا خوبان دل خونین پسندند / دلا خون شو که خوبان این پسندند

متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست / گروهی آن گروهی این پسندند

همچنین تکبیت یا تکبیتی یک قالب شعر کهن فارسی است که از یک بیت (معادل دو مصراع) تشکیل شده است. بیشتر تکبیتی‌ها در طول زمان تبدیل به ضرب‌المثل شده‌اند. سعدی، صائب تبریزی و هاتف اصفهانی از معروف‌ترین سرایندگان تکبیت بوده‌اند. در زیر تک بیت‌هایی از سعدی می‌خوانید.

جشنواره

فیلم‌های

۱۰۰ ثانیه‌ای

توانسته همچون

تک‌بیت‌های

زیبای سعدی و

ضرب‌المثل‌های

شیرین ایرانی بر

دل مخاطبان

بنشیند و ۱۰ دوره

استمرار داشته

باشد. ما هنوز هم

پایبند کم‌گویی

و گزیده‌گویی

هستیم

صابر احمدی مقدم - «کم‌گویی و گزیده‌گویی چون در / تا ز اندک تو

جهان شود پر» شعری ست منتسب به نظامی، شاعر قرن ششم هجری قمری کشورمان. از همین شعر و سخنان بزرگان دیگری همچون سعدی و ... این‌طور به نظر می‌آید که گزیده‌گویی و ایجاز نه تنها ویژگی عصر صنعت و سرعت است، که در گذشته نیز از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. شاید امروز توجه به آثار مینی‌مال، پاسخی طبیعی به تنگی وقت و کمیاب بودن فرصت در جوامع صنعتی و دگرگونی‌های بنیادی در نظام فکری و ذوقی مردم در جهان معاصر باشد، اما چنین فرهنگی از دیرباز هم در ادبیات کشورمان مرسوم بوده و مردم از سوی ادیبان و اهل ذوق به ایجاز و اعجاز در سخن دعوت می‌شدند. البته که با گشت و گذاری در فرهنگ مکتوب غرب نیز می‌توان آثار ایجاز را در هنر و ادبیات سرزمین‌های دیگر یافت و گویی آدمیان از ابتدا به دنبال بهینه کردن کلام و پیامشان بوده‌اند.

در این نوشتار نیز تلاش شده با ارائه فهرستی از تاکید ایرانیان و همچنین ذوق‌ورزان غربی بر گزیده‌گویی، نشان دهیم که جشنواره ۱۰۰ پای بر چه پیشینه‌ی کهنی گذاشته و ایده برگزاری چنین جشنواره‌ای، موضوعی نیست که به سادگی به ذهن برگزارکنندگان آن خطور کرده باشد و به سادگی نیز از میان برود.

کوتاه‌ترین داستان جهان از آن کیست؟

«ارنست همینگوی» نویسنده برجسته معاصر ایالات متحده آمریکا و برنده جایزه نوبل ادبیات از جمله شخصیت‌های مطرح ادبیات بوده که کوتاه‌ترین داستان جهان را به نگارش در آورده است. «برای فروش: کفش بچه، هرگز پوشیده نشده». این نوشته تنها یک جمله نیست، بلکه کوتاه‌ترین داستان جهان است که توسط «ارنست همینگوی» نوشته شده. یک روایت می‌گوید همینگوی این داستان را در شرط بندی با یکی از دوستانش نوشته و خواسته ثابت کند که با شش کلمه می‌تواند یک داستان بنویسد. روایت دیگری هم هست که در آن همینگوی این داستان را برای یک مسابقه داستان کوتاه نوشته و برنده جایزه هم شده است. البته داستان‌های مینی‌مال ۵۰ کلمه‌ای و داستانک‌ها نیز ژانرهای ثابت شده‌ای هستند که بسیاری از نویسندگان برجسته جهان به سراغ نگارش این دست آثار می‌روند.

هایکو، کوتاه‌ترین اشعار جهان

هایکو کوتاه‌ترین گونه شعری در جهان است که مبدع آن ژاپنی‌ها هستند.



در صورت تو / با کودکان مهربان باشیم

دو مرد روبروی هم در حیاط خانه ای نشست و گفتگو می کنند و صدای برخورد چوب با وسیله ای از دور شنیده می شود که پس از مدتی متوجه می شویم کودکی در حال بازی است. در میان مکالمه مردها، کودک وسیله ای را می شکند و مرد جوان عصبانی از جا برخاسته و کودک را خارج از قاب دوربین کتک می زند. مرد میانسال عصبانی می شود اما با ملایمت مرد جوان را به آرامش و رفتار خوب با دختر بچه دعوت می کند در ادامه اما... فیلم «در صورت تو» روایتی تاثیرگذار از جریان کودک آزاری دارد و این خشونت را با هوشمندی خارج از دید مخاطب روایت می کند. پایان فیلم هم غافلگیرکننده و اثرگذار است و بیننده را به فکر فرو می برد.



در اعماق جنگل بامبو / نشان محبت

«در اعماق جنگل بامبو» نشان از تفکری دارد که هر فیلمساز کوتاه باید آن را شناخته و در مسیر فیلمسازی اش قرار دهد. فیلم هم به تبلیغ زیبایی های کشور کارگردان می پردازد، هم مهربانی و میهمان نوازی مردم این کشور را به مخاطب نشان می دهد و هم فرهنگ گفتگو و اعتماد را ترویج می کند. «در اعماق جنگل بامبو» داستانی ساده را از دید یک توریست خارجی در جنگل های بامبوی چین روایت می کند. جوان توریست کوله پشتی خود را گم می کند و هراسان به دنبال آن می گردد و مردم محلی در این مسیر او را یاری می کنند و ... فیلم مصداق بارز یک تیر و چند نشان است و کارگردان با ساخت فیلمی یک دقیقه ای موفق به طرح مسائلی می شود که پیشتر ذکر شد.



اگر بزرگ شوی / زندگی ما در یک چشم بر هم زدن

جمله معروف «تا چشم به هم بگذاری بزرگ شده» را معمولاً به والدینی می گویند که تازه صاحب فرزند شده و بی صبرانه منتظرند نوزادشان بزرگ شده و برای اولین بار آنها را با نام پدر و مادر صدا بزند. فیلم «اگر بزرگ شوی» هم با نگاه عاشقانه یک مادر به پسرش شروع می شود که از پسر کوچکش می خواهد به سرعت بزرگ شود. از این پس فرایند سریع زندگی پسر را در قالب یک فیلم حدوداً یک دقیقه ای از تولد تا مرگ می بینیم. نکته جالب فیلم خاکستری بودن شخصیت اصلی فیلم است. زندگی این فرد هیچ ویژگی قابل ذکری ندارد، او نه ستاره سینماست نه یک ورزشکار مشهور است و نه دانشمند. او یک فرد معمولی است که مانند همه ما زندگی ای معمولی دارد. در کل تجربه تماشای این فیلم که فرایند زندگی را در یک چشم بر هم زدن روایت می کند تجربه ای لذت بخش است.

نگاهی به فیلم هایی از بخش بی

منتقد: الناز دیمان

لیوان ها / انتقام

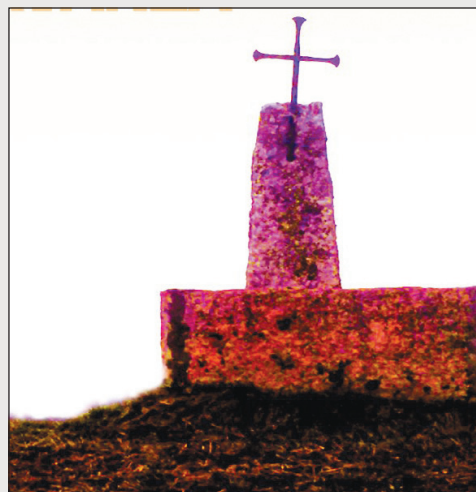
«لیوان ها» داستانی سورئال با مضمونی ساده دارد؛ این که نباید نسبت حتی به بی ارزش ترین وسایل اطرافمان مانند یک لیوان یک بار مصرف هم بی توجه باشیم چون حتی تهیه آن لیوان هم فرایندی اقتصادی داشته و از آن مهمتر استفاده بی رویه و غیرضروری از این ظروف می تواند برای طبیعت عواقب خطرناک زیست محیطی داشته باشد. لیوان های یک خانه مجردی همه یک بار مصرف هستند چون پسر جوان احتمالاً حال و حوصله شستن ظروف را ندارد. پسر جوان لیوان ها را پس از مصرف مچاله می کند که باعث خشم لیوان های دیگر شده و ... پیام اخلاقی فیلم ساده و صریح روایت می شود و جلوه های ویژه آن در حد ساختار یک فیلم ۱۰۰ ثانیه ای مقبول است.

کشور پیاده روی / رسیدن به آرامش

پیرمردی با قدم های کند و عصا بر دست به آرامی در خیابان یک شهر قدیمی در اروپا راه می رود و پس زمینه مرتباً عوض می شود اما ظاهراً پیرمرد قصه فیلم هدفش از این پیاده روی تماشای مناظر زیبای اطراف نیست چون سربزه زیر و بی توجه به کوچه و خیابان و حتی اماکن تاریخی در حرکت است. آنچه هنگام تماشای فیلم برای مخاطب مهم می شود این است که پیرمرد به چه انگیزه ای با این پاهای ناتوان دست از پیاده روی نمی کشد؛ موضوعی که در انتهای فیلم مشخص می شود. «کشور پیاده روی» مانند اغلب فیلم های اروپایی این دوره از جشنواره پر است از تصاویر چشم نواز و قاب بندی های زیبا و همچنین رعایت اصول تکنیکی از دیگر محاسن این فیلم کوتاه است.

کشتن / معصومیت از دست رفته

انیمیشن خوش ساخت «کشتن» فیلمی در نفی خشونت و عادی سازی آن در بین نوجوانان است. در یک قصایی کوچک مردی به شیوه ای بی رحمانه مرغ ها را سر می برد و از کودکی که احتمالاً فرزندش است نیز می خواهد همین کار را انجام دهد. کودک اما ابتدا از این کار واهمه دارد و دلش به کشتار حیوانات راضی نیست. فیلم اشارات ظریف و جالبی دارد و توجه به جزئیات در آن قابل تحسین است. جزئیاتی مانند چشم نداشتن مرد قصاب (اشاره به بستن چشم روی وجدان)، نقاشی کودکانه درختی سبز بر دیوار قصابی (اشاره به روح پاک و عاری از خشونت کودک) و بسته شدن چشم های کودک پس از اولین کشتار بی رحمانه وقتی باید برای همیشه با معصومیت و دلرحمی دوران کودکی خداحافظی کند.





Switch_man / خلاقانه و سرگرم کننده

«سوییچ من» به اثری تجربی نمی‌ماند و همه اصول و قواعد حرفه‌ای کاملاً در آن رعایت شده‌اند. فیلم به وجه کمیک آثار سوپر قهرمانی دنیا و فیلم‌های بلاک باستر می‌پردازد و این فیلم‌ها را به اصطلاح دست می‌اندازد. مردی معمولی در مواجهه با یک حشره غول پیکر که به شهرش حمله‌ور شده با استفاده از یک کمربند جادویی (نظیر آنچه در سریال سوپر قهرمانی بن تن دیده‌ایم) سعی دارد به یک سوپر قهرمان تبدیل شده و شهر و مردمش را نجات دهد اما کمربند آنگونه که باید درست عمل نمی‌کند و فضایی کمیک و بسیار جذاب بر قصه و فیلم حاکم می‌شود. تمامی صحنه‌های فیلم مملو از خلاقیت و جاذبه بصری و مضمونی است. همچنین ساختار این انیمیشن نیز در ادامه مسیر ایده و فیلمنامه درخشان آن حرکت کرده و چشم نواز به نظر می‌رسد.



سوالات زندگی / فلسفه زندگی

فیلم «سوالات زندگی» درواقع بنیادین‌ترین سوالات هستی و فلسفی زندگی بشر را در قالب روایتی بسیار ساده اما خوش ساخت بیان می‌کند. مردی صبح از خواب برخاسته و در آینه با نگاه کردن به چهره خود می‌پرسد «من کی هستم؟» سوالی که احتمالاً هر روز از خود می‌پرسد. در ادامه سوالات هستی شناسانه دیگری مطرح می‌شود که از ذهن کاراکتر اصلی فیلم خارج شده و در صفحه نوشته می‌شود. سوالاتی مانند «هدف از خلق من چه بوده؟»، «قرار است در زندگی چه کار کنم؟» و «ما در کیهان تنها هستیم؟» فیلم در کوتاه‌ترین زمان ممکن مخاطب را با بزرگترین چالش‌های فکری و فلسفی بشر روبرو می‌کند که به نظر نگارنده دستاورد بزرگی برای یک اثر کوتاه ۱۰۰ ثانیه ای است.



دو انیماتور / نبرد بین سنت و مدرنیته

در دو سوی تصویر دو انیماتور دیده می‌شود که یکی به صورت قدیمی و دستی در حال کشیدن نقاشی برای تولید انیمیشن است و دیگری همان کار را در تبلتش انجام می‌دهد. هر دو جوان برای صرف قهوه و استراحت از اتاق کارشان خارج می‌شوند و جنگ بین دو نقاشی آغاز می‌شود. نبرد بامزه دو کاراکتر اصلی فیلم که یکی برخاسته از دنیای سنت و دیگری مخلوق مدرنیته است، دیدنی از آب درآمده. فیلم با زبان و ساختاری ساده بیان می‌کند که چنین نبرد و مشاجره‌ای بی فایده و فرسایشی است و هرکدام از این تصاویر در جای خود زیبا و دارای کارکرد مناسب هستند.

۱۰۰ فیلم جشنواره فیلم

قطره / قطره‌ها را هدر ندهیم

نگرانی جهانی از کمبود منابع طبیعی و بخصوص آب باعث شده است کارگردانان اروپایی که قاعدتاً نباید این کمبود را به لحاظ پر بارش بودن منطقه زندگی‌شان جدی بگیرند هم بخاطر دغدغه‌های جهانی دست به کار شده و درباره این معضل فیلم بسازند. فیلم قطره دعوت مخاطب برای نگرانی از حال و احوال یک قطره آب است و در این مسیر موفق و خلاقانه عمل می‌کند. پس از تماشای فیلم «قطره» مخاطب دیگر دلش نمی‌آید شیر آب را بی توجه رها کند چون حتماً دلش برای قطره‌های آب خواهد سوخت.

چطور است بهتر باشید / انتخاب آزاد

فیلم یک فوتوکلیپ ساده است با ساختاری تکراری و به دور از پیچیدگی. تصویر سر یک نوجوان روی بدن‌های مختلف قرار می‌گیرد و وقتی روی جسم، یک نقاش یا خلافاکار است هم دقیقاً همان میمیک اولیه را دارد. فیلم به زبانی ساده می‌خواهد بگوید این ذهن و عقل و منطق یک انسان است که می‌تواند زندگی حال و آینده اش را رقم بزند و انتخاب‌ها می‌توانند سرنوشت ساز باشند و در این مسیر نیز تا حدی موفق عمل می‌کند.

ابتدا چک کن / سوء تفاهم و خشم

فیلم «ابتدا چک کن» قصه ساده یک سوء تفاهم است که ممکن است برای هر کس در رستوران، سرکار، اتوبوس و... پیش بیاید و به راحتی با کمی ملایمت و یک سوال هم مرتفع شود اما وقتی به جای ملایمت و گفت‌وگو خشم و ناراحتی و غضب را جایگزین کنیم نتیجه آن می‌شود که در فیلم می‌بینیم. «ابتدا چک کن» همه مخاطبان را در مواجهه با مسائلی که ناراحتشان می‌کند به ارامش و در وهله بعد به گفتگو و تعامل دعوت می‌کند که نیاز همه جوامع سریع و پرهیجان و بعضاً نامالایم امروزه ماست. فیلم در ساختار نیز موفق عمل می‌کند همچنین موسیقی عاملی پیش برنده محسوب شده و به پیشبرد روایت قصه کمک می‌کند.



جشنواره فیلم ۱۰۰ از نگاه فیلمسازان و کارشناسان سینما

فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای، رباعی عرصه سینماست	حبیب‌الله بهمنی، فیلمساز و مدرس سینما
برگزاری چنین جشنواره‌ای در سینمای کشور لازم است چراکه ذات استعدادیابی درون این جشنواره نهفته است	رسول صدرعاملی، نویسنده و کارگردان
نقش زمان در فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای بسیار پررنگ‌تر از فیلم‌های بلند داستانی است	منوچهر اکبرلو، منتقد سینما
این جشنواره برای فیلمسازان جوان ستودنی است و معتقدم این جشنواره فراتر از اینکه وظیفه باشد، یک عشق از طرف برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان است	جلیلی، فیلمنامه‌نویس و کارگردان
هر ثانیه از فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای می‌تواند یک پلان، تصویر، ایده و فکر تازه در خود داشته باشد	مهرداد غفارزاده، نویسنده و کارگردان
۱۰ دوره برگزاری جشنواره ۱۰۰ و استقبال با شکوه از آن در هر دوره نشان می‌دهد جایگاه فیلم‌های کوتاه کوتاه در زندگی مخاطبان اهمیت پیدا کرده است	محمدرضا شفا، مدیر باشگاه فیلم سوره
افق رشد فیلم‌های کوتاه کوتاه را مثبت می‌بینم. در روزگار رسانه‌های نو و شبکه‌های اجتماعی، می‌توان امیدوار بود فیلم کوتاه از تأثیرگذاری بیشتری در مقایسه با یک فیلم بلند برخوردار باشد	محمدرضا خردمندان، فیلمساز
جشنواره فیلم ۱۰۰ از جشنواره‌های حرفه‌ای ایران به حساب می‌آید و نقش اخلاقی مداری در این جشنواره با توجه به اختصاص بخشی به این موضوع، ارزشمند است	جمیل عامل صادقی، کارگردان
فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای چند سالی است در صنعت فیلمسازی ما جایگاهی ویژه را کسب کرده است و فیلمسازان به سراغ موضوعاتی می‌روند که مخاطب را در لحظه درگیر کند	محمد آفریده، فیلمساز
از زمان بنیان تأسیس جشنواره ۱۰۰ در آن حضور داشتیم و هر سال که از آن می‌گذرد، شاهد استقبال بیشتر فیلمسازان داخلی و خارجی از آن هستیم. قالب زمانی این جشنواره فرصتی مناسب برای نمایش در مکان‌های عمومی است	فرهاد توحیدی، فیلمنامه‌نویس
از ویژگی‌های بارز فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای، داشتن ایده جذاب است که مخاطب را با نگاهی نو همراه سازد	قاسم شیشه‌گری، فیلمساز
مخاطبان فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای، فراتر از یک فرد عادی هستند و می‌توان آنها را از دانشجویان هنر، فیلمسازان و روشنفکران معرفی کرد	حسین ایزدی، فیلمساز مستند
این جشنواره راهی به سوی کاهش هزینه فیلمسازی است و فیلمساز جوانی که تازه وارد این فضا شده می‌تواند بدون تقبل هزینه بالا به ساخت فیلم بپردازد و فیلم خودش را محک بزند	مهدی بوستانی شهر بابکی، فیلمساز مستند
این جشنواره در فضای فعلی امیدوارکننده است و لازم است برای اینکه فیلمسازان بیشتری از وجود این جشنواره مطلع شوند به جریان‌سازی رسانه‌ای توجه بیشتری شود	امیر فرض‌اللهی، روزنامه‌نگار و مستندساز
جشنواره فیلم ۱۰۰ توانسته تاکنون ارتباط خوبی با فیلمسازان برقرار کند و استمرار و گسترش حمایت از فیلمسازان می‌تواند تضمینی بر بقای عمر و درخشش آن در صنعت سینما باشد	علیرضا دهقان، فیلمساز مستند
این جشنواره ایده‌محور است و در فیلم ۱۰۰ نقش ایده خوب بیش از پیش احساس می‌شود. آنچه باید به آن دقت کرد این است که نباید از ظرفیت تبلیغی و نمایشی رسانه‌ها غافل شویم زیرا می‌توان با نمایش مستمر این فیلم‌ها، جایگاه آن را در میان عموم عموم مخاطبان ترویج داد	مهرداد اسکویی، فیلمساز مستند
این جشنواره از دو نظر جایگاهی ویژه در صنعت فیلمسازی باز کرده است؛ یکی به خاطر کم هزینه بودن ساخت فیلم و دیگری به خاطر کم بودن زمان و فراهم بودن امکان نمایش آن در فضاهای عمومی	ماجد نیسی، فیلمساز مستند
جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ و سایر جشنواره‌هایی که سعی دارند در عرصه جهانی حرفی داشته باشند، باید فرصت‌های جهانی را شناخته و با شرکت‌های فروش فیلم در ارتباط باشند	مهدی گنجی، فیلمساز مستند
در ۱۰ دوره‌ای که از عمر این جشنواره می‌گذرد، هنرمندان بسیاری در آن شرکت داشته‌اند که بسیاری از آنها اکنون جزو بزرگان سینمای ما محسوب می‌شوند	جواد عزتی، بازیگر سینما و تلویزیون
این جشنواره با اضافه کردن بخش‌های جنبی و استفاده از فیلم‌های برتر سایر جشنواره‌ها که فراتر از قالب زمانی ۱۰۰ ثانیه تولید شده‌اند، طیف گسترده‌تری از مخاطبان را در بر می‌گیرد	حبیب کاوش، کارگردان
جشنواره ۱۰۰ که دیگر تبدیل به یکی از معتبرترین جشنواره‌های فیلم کوتاه کشور شده، سعی کرده با توجه به اقتصاد هنر و افزایش میزان جوایز خود یکی از سرآمدان در جشنواره‌های فیلم کوتاه کشور شود	ساسان سالور، فیلمساز
فیلمسازی که به تازگی وارد این عرصه شده و هیچ مامن و مکانی برای حضور خود ندارد، جشنواره‌هایی مانند فیلم ۱۰۰ را به عنوان فرصت مغتنمی نگاه می‌کند که می‌تواند در آن خودش را نشان دهد	رضا درستکار، منتقد سینما
ما ۱۰۰ ثانیه‌های زیادی را صرف موضوعات باطلی می‌کنیم و می‌توانیم این زمان را به فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای اختصاص دهیم؛ بویژه از زمانی که شبکه‌های اجتماعی از رایانه به گوشی همراه منتقل شده، فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای به سرعت در جامعه پخش می‌شوند	امیر سحرخیز، انیماتور
شاید یک فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای بیش از یک مستند طولانی تأثیرگذار و البته زمان‌بر باشد زیرا درایت در انتخاب ایده در فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای مهم است	فرید فرخنده‌کیش، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان
گاهی در فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای مضامین و موضوعاتی دیده می‌شود که حتی سینمای ایران جرئت پرداخت به آن را ندارد. فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای لزوماً برای آموختن سینما نیست بلکه در سطح حرفه‌ای مطرح است	رهبر قنبری، فیلمنامه‌نویس و فیلمساز
سازندگان فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای باید میان‌برهای سینما را بشناسند. در فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای، وقتی کارگردان کاملاً متعبر باشد، به جای سردرگمی در صحنه‌های مختلف، چکیده مورد نظر خود را دریافت کرده و با یک فیلم قابل قبول رو به رو می‌شویم	احمد سفلی، معاون پژوهش دانشکده تلویزیون و هنرهای دیجیتال